

## سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه

ایوب پورقیومی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۵/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۷/۱۲

صفحات مقاله: ۱۷۷-۲۰۷

### چکیده

ناکامی سیاست خارجی آمریکا در افغانستان و عراق از یک سو و تقویت بیداری اسلامی با محوریت ایران از سوی دیگر، دولت بوش و متحدان منطقه‌ای آن را به برنامه ریزی طرح خاورمیانه جدید و برخورد با یکی از بازوان منطقه‌ای قدرتمند ایران متمایل ساخت، اما پس از شکست اسرائیل در جنگ نیابتی لبنان و ناکامی طرح خاورمیانه‌ی جدید، سیاست آمریکا در منطقه تغییر یافت و این کشور برای مقابله و مهار قدرت ایران، به سیاست مهار و جنگ کم‌شدت، تقویت قابلیت‌های اهل سنت در مقابل شیعیان، تلاش برای ایجاد قطب جدید قدرت متشکل از اسرائیل و کشورهای دنباله رو آمریکا در منطقه روی آورد و تلاش‌هایی را برای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل آغاز نمود. در حقیقت الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی، دولت بوش را به تغییر در سیاست خارجی آمریکا بویژه در منطقه‌ی خاورمیانه وادار ساخت و اوپاما نیز همان تغییرات را با رویه‌ای متعادل‌تر از دولتمردان قبلی دنبال می‌نماید.

\* \* \* \* \*

۱ - کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک و مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین<sup>(ع)</sup>، دانشکده شهید مطهری.

## کلید واژگان

هژمون‌گرایی آمریکا، طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، طرح خاورمیانه‌ی جدید، جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان، سیاست خارجی آمریکا، شعار تغییر اوباما.

## مقدمه

فروپاشی نظام دوقطبی مبتنی بر محوریت شرق و غرب، زمینه‌ی برنامه‌ریزی برای حاکمیت مطلق بر روابط بین‌الملل را برای آمریکایی‌ها فراهم نمود و به امنیت جهانی بر مبنای اینکه قرن آمریکایی و نظم نوین جهانی بر پایه رهبری، قدرت و ارزش‌های آمریکایی در پیش است، نگاه شد.

از سوی دیگر، خاورمیانه به عنوان یکی از حوزه‌های استراتژیک، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه‌ی میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در این منطقه تضمین کند و در سایه‌ی آن بتواند بر روابط بین‌الملل تأثیر قابل توجه بگذارد. بر همین مبنا بود که بوش پدر در این منطقه‌ی حساس دخالت و به جنگ با عراق ورود پیدا کرد.

در زمان بیل کلینتون نیز اگرچه تأکید بر دموکراسی و منافع تجاری آمریکا اصل محوری بود، اما همچنان خاورمیانه در اولویت اول سیاست خارجی کابینه‌ی وی قرار داشت. در دولت بوش پسر، تصمیم نومحافظه‌کاران هژمونی طلب برای سلطه بر جهان از طریق پیاده‌سازی نظم نوین از طریق راهبردهای یکجانبه‌گرایانه موجب شد تا آمریکا برای کنترل روابط بین‌الملل و تثبیت هژمونی خود، در جهت مدیریت منطقه‌ی حساس خاورمیانه برنامه‌ریزی کند، لذا سیاست خارجی ایالات متحده دچار چرخشی اساسی از راهبرد

بازدارندگی (۱۹۹۰-۱۹۴۵) و ابهام راهبردی (۱۹۹۰-۲۰۰۱) به راهبرد حمله‌ی پیش‌دستانه و جنگ پیش‌گیرانه گردید.

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر فرصت مناسبی در اختیار دولتمردان نومحافظه‌کار آمریکا قرار داد تا در راستای اجرای راهبرد جدید، به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم وارد عمل شده و مقابله با بازیگران فراملی و دولت‌های ملی مخالف ارزش‌های آمریکایی را در منطقه پیگیری نمایند. بهترین بهانه برای دخالت، شعارهای جذاب دموکراسی‌سازی و مقابله با تروریسم و تندروی بود و در جهت اجرای این شعارها، افغانستان، عراق و لبنان عرصه‌ی تاخت و تاز مستقیم و غیرمستقیم ایالات متحده قرار گرفت.

البته سیاست یکجانبه‌گرایانه و سلطه‌جویانه‌ی آمریکا در خاورمیانه، حمایت این کشور از رژیم‌های نامشروع در منطقه، حمایت غیرقابل توجیه و یکجانبه از رژیم صهیونیستی و... موجب پیدایش جریان‌ها و سازمان‌های مقاوم در برابر آمریکا شد که برخی از آنها در قالب دولت‌های ملی و برخی دیگر به شکل بازیگران فراملی ظهور یافتند. (یزدان‌فام، ۱۳۸۴: ۱۳) ناکامی آمریکا در مبارزه با تروریسم و دموکراسی‌سازی در خاورمیانه و بن بست سیاست‌هایش در منطقه به دلیل عدم آشنایی با مسائل آن، در نهایت تغییر در سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا در دوره‌ی دوم حاکمیت بر کاخ سفید را در پی داشت. اوپاما نیز با توجه به همین واقعیات و تمایل مردم و نخبگان جامعه‌ی آمریکا به دگرگونی در سیاست خارجی این کشور با شعار «تغییر» وارد عرصه‌ی رقابت‌های انتخاباتی شده و سرانجام به پیروزی رسید.

حال مباحثی جدی نزد تحلیل‌گران و سیاستمداران منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح است. یکی از این مباحث، به این امر مربوط می‌شود که سیاست خارجی دولت اوپاما تا چه اندازه به شعار تغییر، جامعه‌ی عمل می‌پوشاند؟ آیا تغییر راهبردی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا ایجاد خواهد شد؟ این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌ها و سایر سوالات مرتبط است.

فرضیه‌ی تحقیق این است از اواخر دوران حاکمیت بوش پسر، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تحت تأثیر واقعیات و مسائل منطقه‌ای از هژمون‌گرایی یکجانبه، به چندجانبه‌گرایی در حوزه‌ی بین‌المللی و تشکیل قطب جدیدی از قدرت جهت مقابله و مهار ایران تغییر یافته و به دلیل ملاحظات راهبردی در حوزه‌ی سیاست خارجی آمریکا، شعار تغییر اوباما به عنوان یک راهبرد به عرصه‌ی عمل نخواهد رسید.

### سیاست خارجی آمریکا از عصر ژئوپلیتیک تا عصر ارزشی

از سال ۱۹۴۷ تا زمان سقوط شوروی دکترین‌های تدوین شده در سیاست خارجی آمریکا دارای فصل مشترک «برخورداری از ماهیت ژئوپلیتیک» بودند و ارزیابی صحنه‌ی بین‌المللی در قالب ژئوپلیتیک و با در نظر گرفتن ساختار دو قطبی نظام بین‌المللی صورت می‌گرفت. در طول دوران جنگ سرد استراتژی مبارزه با کمونیسم در سه محور کلیدی سیاست سد نفوذ<sup>۱</sup>، سیاست اقتصاد بازار<sup>۲</sup>، و سیاست ثبات سیاسی<sup>۳</sup> دنبال شد. (دهشیر، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۷۲) پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی نقطه‌ی عطفی در تحولات بین‌المللی بود. تا پیش از حمله‌ی آمریکا و متحدین آن به عراق در جنگ اول خلیج فارس و اعلام رهنامه نظم نوین جهانی از سوی بوش پدر، نظم بین‌المللی شکل و ویژگی آنارشیک و ستفالیایی داشت. اما پس از این واقعه دولتمردان آمریکا به دنبال نظم نوینی با مبنای انسانی محور از طریق به خدمت گرفتن کثیری از نهادها بودند. (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۰) بوش اول می‌گفت: «من می‌گویم که یک قرن آمریکایی را در پیش داریم و نظم نوین جهانی منوط و

1 - Policy of Containment

2 - Market Economy Policy

3 - Political Stability Policy

وابسته به رهبری، قدرت و ارزش‌های آمریکاست.“ (Burkaliber, 1991: 29) در زمان بوش دوم نیز تصمیم نومحافظه‌کاران هژمونی طلب آمریکا بر محور پیاده شدن این نظم ساماندهی شده بود. (سیف‌زاده، پیشین: ۵۱)

مطابق رهنامه نظم نوین جهانی، ایالات متحده پس از فروپاشی سیستم دوقطبی، جهان را تابع یک نظم سلسله مراتبی فرض می‌کند که در آن آمریکا تنها ابرقدرت جهانی بوده و سایر کشورها به قدرت‌های بزرگ، منطقه‌ای، متوسط، کوچک و ذره‌ای تقسیم می‌شوند. در همین حال آمریکایی‌ها طبق نظریات تکمیلی دیگری چون پایان تاریخ فوکویاما، معتقد بودند که در پساجنگ سرد و به دنبال شکست مکاتب فاشیسم و کمونیسم در قرن بیستم، لیبرال دموکراسی تنها نظامی است که برتری خود را در نظام جهانی به اثبات رسانده و از این پس، مسیر تاریخ به سوی گسترش دموکراسی در جهان و افول سایر اشکال نظام‌های سیاسی باقیمانده خواهد بود. (گوهری‌مقدم، ۱۳۸۶: ۹۸) با همین نگاه مخالفین ارزش‌های دموکراسی غربی به عنوان دشمنان اصلی تلقی شده و برای مقابله با آنها، رهنامه جدید مبتنی بر پیشگیری و پیش‌دستی طراحی شد. بوش پسر در سخنرانی خود در اول ژوئن ۲۰۰۲ به صورت رسمی رهنامه پیش‌دستی در دفاع را مطرح کرد و گفت: «در اکثر قرن گذشته دفاع از آمریکا مبتنی بر دکتترین بازدارندگی و سد نفوذ جنگ سرد بود. در برخی موارد، این استراتژی هنوز کاربرد دارد. اگر ما منتظر تهدید بمانیم بسیار دیر عمل کرده‌ایم ... ما باید مبارزه با دشمن را آغاز کنیم و با بدترین تهدیدات قبل از ایجاد آن مبارزه کنیم.» (Beisbourg, 2003: 75) وی در ادامه‌ی پیش‌دستی در توسل به زور و اعمال نظامی‌گری یکجانبه را در هر زمان و هر جایی که آمریکا تشخیص دهد را مورد تأکید قرار داد. (گوهری‌مقدم، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۶)

قدرت‌های بزرگ همیشه تلاش کرده اند تا نظام بین‌الملل را به نفع خود تغییر شکل دهند. در قرن ۱۶ اسپانیا جهان شمولی و عدالت را مطرح کرد تا پیروزی و

اشغال بر آمریکایی‌های بومی را توجیه کند. فرانسه در قرن ۱۸ موازنه‌ی قوا و مرز را مطرح کرد تا قدرت قاره‌ای خود را مستحکم کند. در قرن ۱۹ نیز انگلستان اصول استعمار و بی‌طرفی را مطرح کرد تا بتواند منافع خود را به عنوان قدرتمندترین کشور به پیش برد. بوش پسر هم حق دفاع از خود به صورت گسترده در برابر کشورهای «حامی تروریسم» و «کشورهایی که به آنها پناه می‌دهند» را مطرح کرد (Byers, 2002: 119-120) و به دنبال پایه‌گذاری اصولی بود که بر مبنای آن حقوق بین‌الملل مبتنی بر خواسته‌های آمریکا تفسیر شود. (ظریف و زهرانی، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۴) کلیتون نیز مانند بوش معتقد بود که جهان پس از جنگ سرد فرصت‌های زیادی را فراهم می‌آورد اما همچنان محیط خطرناکی خواهد بود که در آن آمریکا باید فعالانه از منافع خود حفاظت کند. (کاگلر، ۱۳۸۰: ۱۲۲) در زمان کلیتون هم یکجانبه‌گرایی مطرح بود، خانم آلبرایت وزیر خارجه‌ی کلیتون در این زمینه می‌گفت: «هر زمان بتوانیم چندجانبه عمل می‌کنیم.» ولی اطرافیان بوش تنها به یکجانبه‌گرایی نظامی معتقد بودند. (Cox, 2002: 159-160) ریگان رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز چنین سیاستی را اتخاذ کرده بود. به تعبیری سیاست بوش پسر در واقع ادامه‌ی سیاست کابینه‌ی دوم ریگان است. او نیز ضمن یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، بر مرزبندی بین «خیر» و «شر» تأکید فراوان داشت و به حق دفاع گسترده از خود و به حقوق ویژه‌ی بین‌المللی برای آمریکا اعتقاد خاصی داشت. (ظریف و زهرانی، ۱۳۸۴: ۱۶ و ۱۷) با توجه به آنچه گذشت می‌توان یکجانبه‌گرایی را به عنوان وجه غالب سیاست خارجی آمریکا معرفی کرد.

### سیاست خارجی نومحافظه‌کاران آمریکا در عصر ارزشی

در اوایل هزاره‌ی جدید راهبرد مبارزه با تروریسم جایگزین مبارزه با کمونیسم شد و برای اولین بار آمریکا در دوران بین‌الملل‌گرایی خود با بازیگرانی روبرو شد که به عنوان دشمنان ایدئولوژیک آمریکا، جهان امروزی را به شدت با جهان‌بینی خود

در تعارض می‌دیدند و خواهان بازسازی هویت ارزشی خود و جلوگیری از بسط فرهنگ و تمدن غربی بودند. این دشمنان حضور جهانی آمریکا را بویژه در منطقه‌ی خاورمیانه با ارزش‌های خود در تعارض کامل می‌دیدند. از آنجا که ماهیت تهدید و خطر این گروه با رقیب دوران جنگ سرد آمریکا متفاوت بود، سیاست آمریکا در مقام مقابله با آنها نیز از بازدارندگی هسته‌ای در مقابله با شوروی، به جنگ پیش‌دستانه در برابر تروریسم تبدیل (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۷۴) و مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا به خاورمیانه منتقل شد. منطقه‌ای که علاوه بر منابع زیرزمینی و بازار فروش تجاری، از ماهیتی ارزشی برخوردار است و این ارزش‌ها نیز به شدت با ارزش‌های آمریکایی در تضاد هستند. بنابراین آمریکا در راستای سیاست دگرگون‌سازی نقشه‌ی ارزشی و فکری خاورمیانه به رهیافت دموکراسی‌سازی روی آورد. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۷۶) در ادامه مهم‌ترین راهبردهای سیاست خارجی بوش در عصر ارزشی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### الف) رهبری ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم

آمریکا در طول تاریخ خود حدود ۲۰۰ بار از نیروی نظامی در خارج از مرزهای این کشور استفاده کرده است. موارد دخالت‌های نظامی نیز با بهانه‌های مختلف بوده است؛ از جمله حضور در جنگ‌های بزرگ جهانی اول و دوم، مأموریت‌های حفظ صلح (بوسنی و کره)، جنگ‌های حاشیه‌ای (نیکاراگوآ یا آنگولا در دهه‌ی ۱۹۸۰)، عملیات مخفی (کودتای شیلی در ۱۹۷۳)، دخالت بشردوستانه (بالکان دهه‌ی ۱۹۹۰)، حمایت از متحدین یا حفظ جان آمریکایی‌ها (ویتنام و کره در دهه‌ی ۱۹۵۰) و عملیات تلافی‌جویانه (لیبی). نکته جالب اینکه آمریکایی‌ها در بسیاری از دخالت‌های نظامی خود، مدعی تلاش برای ملت‌سازی بوده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به دخالت‌ها در آلمان و ژاپن در دهه‌ی ۱۹۴۰ و دخالت‌ها در بوسنی، افغانستان و عراق در دوران جدید اشاره کرد. (Pie, 2003: 24) هدف اصلی از

این نوع ملت‌سازی، تحمیل ارزش‌های مطلوب اشغالگر و جلوگیری از تهدیدزایی کشور تحت اشغال در آینده است. (امینان، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۳)

رشد قابل توجه قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمریکا پس از فروپاشی شوروی و نابودی ساختار دوقطبی روابط بین‌الملل (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۴۰۴) افزایش فاصله‌ی این کشور با رقبایش را در پی داشت. حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر نیز یک فرصت طلایی در اختیار نومحافظه‌کاران آمریکا قرار داد تا «مقابله با بنیادگرایی اسلامی» (امینی، ۱۳۸۳: ۶۰) و «جنگ با تروریسم» (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱) را اصل سامان‌دهنده‌ی سیاست خارجی خود قرار داده و سیاست خارجی خود را بر خاورمیانه متمرکز نمایند. لذا از طریق توسل به حربه‌های سخت‌افزاری نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، تغییرات بنیان‌کن در دولت‌ها و سپس هنجارسازی در نظم مطلوب، اهداف خود را دنبال نموده (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳-۶۴) و با حربه‌ی مبارزه با تروریسم و با طرح‌هایی چون «دموکراسی‌سازی»، «دولت‌سازی» و «ملت‌سازی» در خاورمیانه، در پی ایجاد تغییرات مورد نظر خود برآمدند.

این حادثه تأثیرات عمده‌ای بر روابط بین‌الملل داشت، که از جمله‌ی آنها می‌توان به تشکیل ائتلاف بین‌المللی جهت تحقق خواسته‌های ایالات متحده اشاره کرد. پس از وقوع این حادثه سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ی ۱۳۶۸ در ۱۲ سپتامبر و قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۱، موضع خود را بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد اعلام نمود. قطعنامه‌ی ۱۳۶۸ توسل به زور را برای کلیه‌ی کشورها و دولت‌ها در راستای مقابله با تروریسم مجاز دانسته و قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ نیز ابزارهای قابل استفاده برای این مبارزه را مشخص و تعریف کرد. پس از اعلام موضع رسمی سازمان ملل، ائتلافی بین‌المللی برای برخورد با تروریسم شکل گرفت و ایالات متحده در قالب استراتژی «حمله‌ی پیش‌گیرانه»، مجوز ضمنی برای حمله به افغانستان را از شورای امنیت کسب نمود. همراهی اتحادیه‌ی اروپا و ناتو و مهم‌تر از آن همکاری کشورهای چگون پاکستان،



ازبکستان و تاجیکستان در قالب واگذاری پایگاه نظامی به ایالات متحده و همچنین عدم مخالفت روسیه با حضور آمریکا در آسیای مرکزی، از مصادیق بارز این همکاری بین‌المللی بود. (بیگدلی، ۱۳۸۵، noormags.com)

سرانجام در چنین شرایطی آمریکا با شعار مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله و با کمک اتحاد شمال، حکومت طالبان را ساقط و امنیت این کشور را به ناتو واگذار نمود. اما هم‌اکنون پس از گذشت قریب به نه سال از اشغال افغانستان، از تأمین امنیت و برقراری ثبات در این کشور عاجز مانده و ناچار به تغییر سیاست خود در مقابل گروه طالبان گردیده و از سپتامبر ۲۰۰۸ با وساطت عربستان سعودی طرح صلح و گفتگوی دولت کابل با طالبان را مطرح کرده و حاضر به مشارکت این گروه تروریستی در دولت افغانستان گردیده‌اند. (پورقیومی، ۱۳۸۷، basijnews.ir) در واقع نومحافظه‌کاران آمریکا و متحدان آنها، در نخستین میدان کارزار با تروریسم، از رسیدن به هدف ناکام مانده و سرانجام مجبور به پذیرش جریانی در صحنه قدرت افغانستان گشته‌اند که روزی با علم مبارزه با تروریسم و به کمک شورای امنیت به مقابله با آن برخاسته بودند.

### ب) طرح خاورمیانه‌ی بزرگ

پس از موفقیت اولیه‌ی آمریکا و غرب در صحنه‌ی نبرد با طالبان به عنوان نماد تروریسم بین‌الملل، نومحافظه‌کاران که سرمست از غرور پیروزی در افغانستان بوده و به زعم خود به دنبال حل همزمان چهار کانون بحران در منطقه یعنی افغانستان، ایران، عراق و فلسطین بودند، در سیاستی یکجانبه‌گرایانه و بدون توجه به افکار عمومی و بین‌المللی از جمله مخالفت‌های روسیه، آلمان و فرانسه، در مارس ۲۰۰۳ به عراق حمله نموده و حکومت صدام را ساقط و دموکراسی‌سازی اجباری را در قالب طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، در پیش گرفتند. آنها با طرح دکترین جنگ پیشدستانه، تنها راه مقابله با تهدیدات جدید را

پیشگیری و پیشدستی و مهندسی اجتماعی و ملت‌سازی در قالب طرح خاورمیانه‌ی بزرگ می‌دانستند. (امینان، ۱۳۸۶: ۲۲۱) کاخ سفید برای اجرایی نمودن طرح خاورمیانه‌ی بزرگ اقداماتی را به عمل آورد که از جمله آنها می‌توان به تلاش برای ایجاد اجماع جهانی حول محور آمریکا برای مبارزه‌ی جهانی با تروریسم، همراه نمودن افکار عمومی جهانیان با سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا، مشروعیت بخشیدن به اقدامات سخت‌افزاری و نظامی، ترسیم چهره‌ی منجی‌گرایانه از آمریکا و تولید قدرت نرم برای این کشور اشاره نمود.

با توجه به این مسائل آمریکا در چارچوب طرح خاورمیانه‌ی بزرگ و با هدف بازگشت به دوران سیطره و هژمونی خود، سعی داشت به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و با انگ غیردموکراتیک خواندن کشورهای مخالف، نوعی اصلاحات سیاسی برون‌زا، دفاعی و تحمیلی را با اعمال فشار برای تغییر رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه به شکلی پدرسالارانه عملی نماید. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۰) برآورد اشتباه آمریکا از منطقه و مسائل آن به همراه برخی چالش‌ها و موانع عمده‌ی دیگر از جمله بی‌ثباتی ناشی از تغییر در ساختار حکومت‌ها، مشکلات شکل‌گیری جامعه فرهیخته، مشکلات شکل‌گیری اقتصاد آزاد، به خطر افتادن امنیت انرژی غرب، مقاومت و بیداری اسلامی، ملی‌گرایی و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجب ناکامی این طرح گردیدند. ضدآمریکایی شدن مردم منطقه تحت تأثیر ابعاد سیاسی اسلام؛ مقاومت در برابر پذیرش ارزش‌های لیبرالیستی؛ اقتدار حکومت‌های دودمانی و عدم وابستگی آنها به مردم و احساس تحقیر مردم منطقه از قضیه‌ی فلسطین (امینان، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۱) نیز از مشکلات مهم دیگر آمریکا در منطقه به شمار می‌روند.

در طرح خاورمیانه‌ی بزرگ آمریکایی‌ها درصدد بودند با ساقط کردن دولت‌های شرور، دولت‌های همسو با خود را جایگزین آنان نمایند، اما دیری نگذشت که متوجه شدند پروژه‌ی دولت‌سازی در خاورمیانه نه تنها به شکل‌گیری

و روی کار آمدن دولت‌های همسو نمی‌انجامد، بلکه فرصتی را برای اسلامگرایان فراهم می‌سازد تا به صورت دموکراتیک به قدرت برسند. پیروزی مجاهدین افغان و تشکیل مجلس قانونگذاری اسلامی در افغانستان، پیروزی ائتلاف یکپارچه در عراق و روی کار آمدن دولت اسلامی، پیروزی حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان و مشارکت در دولت این کشور، پیروزی حماس در فلسطین و ...، از یک سو طرح خاورمیانه‌ی بزرگ آمریکا را در اولین گام خود با مانع بسیار بلندی مواجه ساخت و از سوی دیگر معادلاتی را در منطقه رقم زد که از آن، به عنوان خاورمیانه‌ی اسلامی یاد می‌شود و این مهم نه تنها با اهداف و راهبردهای خاورمیانه‌ای آمریکا مغایرت داشت، بلکه منافع آنان را نیز به خطر می‌انداخت. در سایه‌ی این مسائل و ناکامی آمریکا از برقراری امنیت و ثبات در عراق و ایجاد دولت سرمشق در خاورمیانه، تلاش نومحافظه‌کاران در این وادی نیز چندان راه به جایی نبرد و از سوی دیگر افزایش قدرت منطقه‌ای ایران موجب گردید که دولت آمریکا لایه‌ی دیگری از سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود تحت عنوان طرح خاورمیانه‌ی جدید را با برنامه‌ریزی حمله‌ی اسرائیل به حزب‌الله لبنان رونمایی کند.

### ج) طرح خاورمیانه‌ی جدید

آمریکا در فاز نرم‌افزاری طرح خاورمیانه‌ی بزرگ بر این عقیده بود که می‌تواند با توسعه‌ی الگوی دموکراسی غربی، بر مشکلات منطقه فائق آید، اما به دلیل برآورد اشتباه از مسائل منطقه، این سیاست به قدرتیابی اسلام سیاسی و بیداری اسلامی منتهی شد. از آنجا که دولت بوش به این نتیجه رسیده بود که ریشه‌ی همه‌ی این مشکلات در ایران است و از طرفی نمی‌خواست ریسک مقابله‌ی نظامی، (بدون تضمین لازم برای اخذ نتیجه) را در مقابل ایران بپذیرد، در سطحی محدودتر (جنگ لبنان) این مسئله را به محک آزمون گذاشت. در واقع از اینجا مجدداً آمریکا بدون توجه به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی به صورت

یکجانبه وارد فاز سخت‌افزاری و نظامی‌گری گردید. طرح خاورمیانه‌ی جدید ادامه‌ی طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، اما با رویکردی سخت‌افزاری و در حوزه‌ی سیاست عالی<sup>۱</sup> بود. تغییر در اولویت‌بندی سیاست‌های آمریکا از حوزه‌ی سیاست عادی و نرم (مبتنی بر دموکراسی‌سازی و حقوق بشر و... در طرح خاورمیانه بزرگ) به رویکرد مجدد به نظامی‌گری یکجانبه در محدوده‌ی خاورمیانه‌ی عربی و ایران، از جمله‌ی موارد قابل توجه در بیان علل جنگ لبنان است. در اوایل جنگ ۳۳ روزه سیاست خاورمیانه جدید توسط رایس<sup>۲</sup> اعلام شد. وی در پاسخ به خبرنگار هفته نامه نیوزویک درباره تلفات انسانی و حجم وسیع ویرانی‌های لبنان گفته بود: جنگ لبنان و پیامدهای آن، درد زایمان برای تولد خاورمیانه‌ی جدید است. (مرشدی، ۱۳۸۵) این گفته، نشان می‌دهد که در خاورمیانه‌ی جدید حمله‌ی نظامی و تخریب گسترده از جمله ابزارها و اولویت‌های غیرقابل اغماض است. سیمور هرش هم در مقاله‌ای در مجله‌ی نیویورکر جنگ لبنان را مقدمه‌ای برای حمله به ایران دانسته بود. (Hersh, ibid) با توجه به بن‌بست پیش آمده برای آمریکا در عراق و ناکامی در ایجاد دولت سرمشق بر مبنای دموکراسی آمریکایی و از آنجا که آنها این مشکل خود را به جریان بیداری اسلامی با محوریت ایران منتسب می‌کردند، با تغییر تاکتیک و اتخاذ راهبرد سخت‌افزاری، طرح خاورمیانه‌ی جدید را برای خروج از بن‌بست و فائق آمدن بر مشکلات خود طراحی نمودند.

۱ - برای اطلاع بیشتر از واقعیت‌های این طرح، رک به:

الف) حسینی، حسن، (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

ب) یونسین، مجید، (۱۳۸۵)، کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۲ - وزیر امور خارجه آمریکا در کابینه بوش پسر.

پس از موفقیت اسلام سیاسی در فرایند دموکراسی‌سازی در خاورمیانه و نقش محوری ایران در شکل‌گیری و قدرت‌یابی بیداری اسلامی، آمریکا و اسرائیل با بزرگ‌نمایی خطر قدرت‌یابی شیعیان در منطقه و طرح هلال شیعی، حکومت‌های عربی را با خود همراه نموده و طرح حمله به حزب‌الله لبنان را به عنوان گام نخست برای قطع بازوان منطقه‌ای ایران، ساماندهی و اجرا نمودند. اما نتایج خیره‌کننده‌ی مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه سبب شد هیمنه‌ی نظامی اسرائیل شکسته شده و نظامی‌گری نومحافظه‌کاران آمریکا، در فاز سخت‌افزاری خاورمیانه‌ی جدید نیز با شکست مواجه شود. تحلیل‌گران معتقدند شکست اسرائیل - که به نیابت از آمریکا برای تحقق خاورمیانه‌ی جدید با حزب‌الله می‌جنگید - باعث شد این سیاست با شکست مواجه گردد (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۶/۱۲) و آمریکا به این نتیجه برسد که شکل‌دهی خاورمیانه‌ی جدید خارج از مرزهای منطقه دشوار است، (هاس، ۱۳۸۵: ۵) لذا باید برای تحقق اهداف خود به شیوه‌ی دیگری متوسل شد. از اینجا بود که نومحافظه‌کاران آمریکا برای مهار ایران، به شکل‌دهی قطب جدید قدرت با ائتلاف متحدین میانه‌رو خود در منطقه روی آوردند.

### تغییرات سیاست خاورمیانه‌ای دولت بوش

همانگونه که ذکر شد، عوامل مختلفی موجب ناکامی و عدم موفقیت سیاست‌های خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا گردیدند. از آنجا که آثار و پیامدهای این مسئله قابل توجه است، در ادامه تغییرات پدیدآمده در این زمینه را بررسی خواهیم کرد.

#### ۱- از یکجانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی

ریچارد هاس معتقد است که دوران تسلط ایالات متحده بر خاورمیانه پایان یافته و دوران جدیدی در تاریخ این منطقه حساس و مهم آغاز شده است و

به دلیل ظهور و فعالیت بازیگران جدید که برای نفوذ بیشتر بر منطقه با هم در حال رقابت هستند، واشنگتن مجبور است برای تسلط مجدد بر این منطقه، به جای تکیه بر قوهی قهریه و نیروی نظامی، بیشتر روی دیپلماسی تکیه و سرمایه‌گذاری کند. (هاس، ۲۰۰۶)

شکست اسرائیل و آمریکا در لبنان موجب شد چرخشی آشکار در موضع جنگ‌افروزان ایالات متحده به سمت گفتگو با قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از یک سو و تعامل بیشتر با کشورهای میانه‌رو از سوی دیگر به وجود آید. پس از صدور گزارش بیکر - همیلتون<sup>۱</sup> که در آن بر لزوم مذاکره با ایران و سوریه برای برقراری آرامش در عراق تأکید شده بود، دموکرات‌ها برای اجرای مفاد این گزارش به دولت بوش فشار آوردند. اولین نتیجه‌ی این فشار برکناری رامسفلد<sup>۲</sup> وزیر دفاع و انتخاب گیتس<sup>۳</sup> به جای وی بود. موید دیگر این چرخش در سیاست آمریکا، سفر نانسی پلوسی<sup>۴</sup> به سوریه و همزمان اظهار نظرهای دموکرات‌ها مبنی بر لزوم همکاری و گفتگو با ایران و سوریه بود. (Kaariz.com، ۱۳۸۶/۱/۲۳)

پذیرش نقش سازمان ملل و سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله فرانسه و تصمیم به اعزام تعدادی نیروی فرانسوی در پوشش مساعدت در فرایند سیاسی - امنیتی عراق را نیز می‌توان در همین راستا قلمداد کرد. (هادوی، ۱۳۸۶: ۱) در واقع، به بن‌بست رسیدن آمریکا در عراق و ناکامی سیاست‌های این کشور در لبنان، باعث شد دولتمردان آمریکا از سیاست یکجانبه‌گرایی ناشی از غرور

۱ - یکی از توصیه‌های گزارش به دولت بوش جهت برقراری امنیت در عراق و کاهش مسئولیت‌های واشنگتن در این کشور، ایجاد یک توافق منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص ثبات در عراق بود.

۲ - از نومحافظه‌کاران و طراحان جنگ عراق و معتقدین به برخورد نظامی در قالب دکترین شوک و بهت (Shock&Awe).

۳ - وی از نزدیکان بیکر و همیلتون است.

۴ - رئیس مجلس نمایندگان آمریکا.

پیروزی در افغانستان و عراق فاصله گرفته و تلاش نمایند با سازمان ملل و قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، تعامل بیشتری داشته باشند.

تأکید گزارش بیکر - همیلتون بر لزوم مذاکره با ایران و سوریه برای حل مشکل عراق و به دنبال آن سفرهای مکرر مقامات آمریکایی به منطقه، برگزاری کنفرانس بغداد، نشست شرم‌الشیخ، نشست استانبول، انجام چند مرحله مذاکره‌ی آمریکا با ایران درخصوص مسئله‌ی عراق و... نشان می‌دهد که آمریکا در منزوی کردن ایران و سوریه شکست خورده و نمی‌تواند برای حل مشکلات منطقه به قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه اعتنا نکند؛ این امر به معنای تردید در یکجانبه‌گرایی آمریکا در منطقه است. برگزاری نشست شرم‌الشیخ<sup>۱</sup> که بزرگ‌ترین نشست منطقه‌ای و بین‌المللی پیرامون عراق پس از صدام بود و هدف آن رسیدن به توافقات و یافتن راهکارهایی برای برقراری ثبات و امنیت در عراق و همچنین تسریع روند بازسازی اقتصاد این کشور عنوان شد، در حقیقت در چارچوب راهبرد جدید ایالات متحده در منطقه‌ی خاورمیانه بود. (خسروی، ۱۳۸۶، rissna.ir) ایالات متحده با برگزاری این نشست، پذیرفت که حل بحران عراق راه حلی نظامی و یکجانبه ندارد و برون رفت از آن مستلزم مشارکت فعال و سازنده‌ی جامعه‌ی جهانی بویژه همسایگان بغداد است.

در آگوست ۲۰۰۷ تلاش‌های آمریکا و انگلیس در شورای امنیت منجر به صدور قطعنامه‌ای شد که خواستار ایفای نقش بیشتر سازمان ملل<sup>۲</sup> در عراق شده بود.

۱ - در این نشست که در روزهای ۳ و ۴ می ۲۰۰۷ (۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶) برگزار شد، علاوه بر ایران، سوریه، عربستان سعودی، ترکیه و کویت به عنوان همسایگان عراق، نمایندگان از مصر، بحرین، اتحادیه‌ی اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، پنج عضو دائم شورای امنیت، دبیر کل سازمان ملل، کشورهای صنعتی جهان، موسوم به گروه ۸ ایتالیا، کره جنوبی و برخی از کشورها و سازمان‌های دیگر حضور داشتند.

۲ - سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ یعنی اندکی پس از حمله آمریکا به عراق، نیروهای خود را در پی کشته شدن سرجیو ویرا دو میلوو رئیس هیات سازمان ملل و ۲۲ تن دیگر از کارکنان این سازمان از عراق خارج کرد.

(etemaad.com, 2/7/1386) برگزاری نشست وزرای خارجه‌ی کشورهای همسایه‌ی عراق، (نشست استامبول در ۱۱ آبان ۱۳۸۶) سازمان ملل متحد، اعضای دائم شورای امنیت، کشورهای گروه هشت و برخی کشورهای دیگر در ترکیه با هدف کمک به حل مشکل امنیت در عراق و همچنین توافقنامه‌ی خروج نیروهای آمریکایی از عراق نیز گواهی دیگر بر این امر بود که نومحافظه‌کاران آمریکا تحت تأثیر تحولات خاورمیانه، به تدریج از یکجانبه‌گرایی فاصله گرفته و تلاش نمودند رضایت دولت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای و سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی را جلب نمایند.

## ۲ - تقویت میانه‌روی در میان اهل سنت

پس از جنگ ۳۳ روزه تعامل با «حکومت‌های میانه‌رو» و متحد آمریکا در منطقه به عنوان سیاستی راهبردی از سوی آمریکایی‌ها دنبال گردید و آنها در کنار این مسئله برای تقویت قابلیت‌های اهل سنت در مقابل شیعیان تلاش می‌کنند. (Hersh, ibid) دیدار رایس با هشت وزیر خارجه‌ی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اردن و مصر (۲۰۰۶) در قاهره، شاخص مهمی در بازسازی این محور قدرت با عنوان «محور اعتدال» به شمار می‌رود.

مؤسسه‌ی مطالعاتی «PINR» در تحلیلی نوشت: «تلاش‌های واشنگتن و تل‌آویو برای ایجاد یک خاورمیانه‌ی جدید برای تضعیف قدرت رو به افزایش ائتلاف شیعه میان لبنان، سوریه و ایران به نفع ائتلاف میان سنی‌های میانه‌رو و اسرائیل طراحی شده است.» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۵/۱۱) سیمور هرش نیز با اشاره به سیاست تقابل‌گرایانه‌ی آمریکا با شیعیان در سراسر منطقه و نزدیکی واشنگتن به برخی از طیف‌های خاص سنی معتقد است که سیاست آمریکا و اقدامات علنی و پنهان این کشور علیه ایران و سوریه سبب تقویت گروه‌های تندرو سنی طرفدار القاعده در خاورمیانه شده است. (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۳/۸) وی در مورد تغییر استراتژی آمریکا می‌نویسد: «نوک‌ها برخلاف تصور نخستین



خود درباره‌ی خاورمیانه، که خطر اصلی را افراط‌گرایی تندروهای سلفی و نحله‌های دیگر سنی‌ها دانسته و برای مقابله با آنها بر پتانسیل میانه‌روی در میان شیعه‌ها استفاده کرده و خواستار افزایش سهم آنها در معادله قدرت در خاورمیانه بودند، اکنون دیگر این نظر را ندارند. افزایش نفوذ ایران و ارتباط تنگاتنگ شیعیان عراق و سایر کشورها با این کشور موجب تجدیدنظر دولتمردان شده و ایالات متحده در صدد است با گسترش اختلاف سنی و شیعه، از آن به مثابه‌ی سد جدیدی در برابر گسترش نفوذ ایران سود جست و منطقه را در دوره‌ای از درگیری‌های فرقه‌ای فرو برد. (akhbar-rooz.com)

روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» ضمن خبر دادن از مذاکرات مقام‌های سعودی و اسرائیل به نقل از یک مقام مسئول صهیونیستی می‌نویسد: مذاکرات عربستان سعودی با اسرائیل، مدتهاست که از طریق کشور ثالث در جریان است و هیئت مذاکره کننده‌ی سعودی، متشکل از مسئولان بلندپایه وزارت امور خارجه و دستگاه اطلاعاتی عربستان سعودی بودند. «یدیعوت آحارنوت»، دیگر روزنامه‌ی اسرائیل هم در گزارش مشابهی نوشت: از پاییز سال گذشته تماس‌های مقام‌های سعودی و اسرائیل با هدف تبادل نظر و هماهنگی در رویارویی با خطرات مشترک تهدید کننده دو طرف، از جمله «خطر مذهب تشیع» آغاز شده است. (اخبار و تحلیل‌ها، ۱۳۸۶/۵/۷) در حقیقت احساس خطر مشترک آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی از قدرت‌یابی شیعیان در منطقه، موجب شده تا تلاش‌هایی پنهانی برای نزدیکی و هماهنگی بیشتر این جریان صورت پذیرد.

### ۳ - عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل

پس از جنگ ۳۳ روزه، برقراری ارتباط اعراب و اسرائیل و عادی‌سازی مناسبات آنها و فعال نمودن «طرح صلح عربی» نیز در دستورکار آمریکا و اعراب قرار گرفت. در سفر خاورمیانه‌ای وزیران امور خارجه و دفاع آمریکا، رایس موفق

شد موافقت عربستان برای حضور در کنفرانس صلح خاورمیانه (آنابولیس)، را به دست آورد. وی در حضور وزیران خارجه‌ی هشت کشور عرب در شرم الشيخ مصر، سندی را امضا کرد که طبق آن آمریکا، طرح صلح عربی را به عنوان یکی از پایه‌های مذاکرات صلح به رسمیت می‌شناسد و به طور غیر مستقیم از پیوستن اسرائیل به پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کند. (۱۳۸۶/۵/۱۱، [bbcpersian.com](http://bbcpersian.com)) اتحادیه‌ی عرب پس از اجلاس نوزدهم سران که در ریاض عربستان برگزار شد؛ کارگروهی متشکل از ۱۰ کشور عربی را به ریاست عمرو موسی (دبیر کل این اتحادیه) به منظور برقراری تماس با اسرائیل تشکیل داد. این کار گروه علاوه بر تماس با اسرائیل، کار با سازمان ملل متحد و همچنین کمیته‌ی چهارجانبه را در دستور کار خود قرار داد تا سرنوشت سرزمین و مردم فلسطین را به نقطه‌ی مشخصی برساند.

گردهمایی وزرای خارجه‌ی ۱۲ کشور عربی (در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶) برای تجدید نظر در مناسبات اعراب و اسرائیل و برگزاری مذاکرات سه جانبه صلح خاورمیانه‌ی در اورشلیم با شرکت اولمرت و محمود عباس به میزبانی رایس و تأکید بر اجرای طرح نقشه‌ی راه یکی دیگر از فعالیت‌های کاخ سفید برای مهار تأثیر منفی تبعات جنگ ۳۳ روزه بر امنیت اسرائیل بود. (خبرگزاری رویترز، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰) کارشناسان مسائل سیاسی برگزاری کنفرانس گفتگوی ادیان (این کنفرانس دو روزه، آبان ۱۳۸۷ در مقر سازمان ملل برگزار گردید) به میزبانی پادشاه عربستان و دعوت از رئیس رژیم صهیونیستی برای شرکت در این کنفرانس ([kayhannews.ir](http://kayhannews.ir)) را نیز در راستای عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل قلمداد می‌کنند.

#### ۴- سیاست مهار و جنگ کم‌شدت با ایران

پس از شکست طرح خاورمیانه‌ی جدید، در سیاست یکجانبه و تهدید نظامی آمریکا در قبال ایران تغییرات قابل توجهی به وجود آمد، به گونه‌ای که

مقامات بلندپایه‌ی این کشور به جای تهدید نظامی، سیاست ایران هراسی در منطقه را دنبال نمودند. نامناسب بودن شرایط آمریکا برای اقدام نظامی علیه ایران و همچنین مخالفت کنگره و افکار عمومی آمریکا و عدم همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای با این امر موجب شد که آمریکا فضای تبلیغی و روانی رویارویی را در قالب جنگ سرد با ایران ایجاد نماید. بازگشت به سیاست مهار<sup>۱</sup> و جنگ کم شدت به جای رویارویی مستقیم با ایران و اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی، فشار منطقه‌ای، تشکیل ائتلاف ضد ایرانی، جنگ رسانه‌ای، تهدید و ارباب نظامی، اقدامات امنیتی، پیگیری نافرمانی مدنی، فعال‌سازی گسل‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی از مصادیق این سیاست است.

#### ۵- تلاش برای ایجاد قطب جدید قدرت در منطقه

پس از جنگ لبنان و ناکامی آمریکا و متحدین آن در تحقق اهداف خود از طریق جنگ، آنها تلاش می‌کنند تا با بزرگ جلوه دادن تهدید ایران در منطقه، اتحادی را برای تشکیل نظام امنیتی جدید بر مبنای اتحاد کشورهای دوست و متحد آمریکا به وجود آورده و ضمن ایجاد یک «قطب جدید قدرت» در منطقه با همکاری آمریکا، اسرائیل و رژیم‌های میانه‌رو عربی، به مقابله با مقاومت و بیداری اسلامی به محوریت ایران پردازند. آمریکا در راستای تقویت جریان‌های میانه‌رو و مقابله با نفوذ ایران، سوریه، حزب‌الله و القاعده، فروش ۲۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان و مصر و پنج کشور حاشیه‌ی خلیج فارس را مقرر نمود و در نظر دارد در ۱۰ سال آینده به اسرائیل ۳۰ میلیارد دلار کمک نظامی نموده و ۱۳ میلیارد دلار نیز به مصر بدهد. (bbcpersian.com)

۱ - سیاست مهار ایران نخستین بار در دوره‌ی کلینتون توسط مارتین ایندیک طراحی شد.

سیمور هرش به نقل از مارتین ایندیک<sup>۱</sup> به جنگ سرد جدی شیعه - سنی در خاورمیانه اشاره کرده و با توجه به پیشینه‌ی اختلافات شیعه و سنی می‌نویسد: نود درصد مسلمانان در سراسر جهان، سنی هستند اما شیعیان در ایران، عراق و بحرین در اکثریت بوده و بزرگ‌ترین گروه مسلمان در لبنان هستند. تمرکز شیعیان در این منطقه‌ی نفت خیز و ناآرام بویژه با توجه به وزنه‌ی ژئوپولیتیک افزایش یافته‌ی ایران، سبب نگرانی غرب و سنی‌ها درباره‌ی ظهور «هلال شیعی» شده است. (baztab.com) در واقع تمایل سیاست خارجی آمریکا به ایجاد قطب جدید قدرت در مقابل جمهوری اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله و حماس و هدف اصلی آن از بسیج کشورهای منطقه‌ی تحت عنوان ائتلاف کشورهای معتدل، انحراف ذهن مردم و دولت‌های منطقه از مشکل اصلی یعنی رژیم صهیونیستی است.

### اوباما و تغییر و تداوم در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

بسیاری از تحلیل‌گران تفاوت چندانی بین سیاست خارجی اوباما و بوش قائل نیستند. نوام چامسکی دوره‌ی دوم ریاست جمهوری بوش را متمایل به چند جانبه‌گرایی و تعامل با دیگر کشورهای جهان توصیف کرده و سیاست اوباما را مشابه و اندکی سخت‌گیرانه‌تر از آن می‌داند و معتقد است نباید منتظر تغییرات گسترده در سیاست خارجی اوباما بود، همچنان که اوباما برآورد جامع اطلاعاتی آمریکا درباره‌ی برنامه هسته‌ای ایران را قابل قبول نمی‌داند. وی حیطة‌ی شعار تغییر را در سطح کلام و جملات و بر مبنای نظر ۸۵ درصدی مردم آمریکا در خصوص نادرست بودن سیاست خارجی بوش، و مراد از تغییر را حرکت از

۱ - از مقامات بلندپایه‌ی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در زمان دولت کلینتون بود و در مقام سفیر آمریکا در اسرائیل نیز خدمت کرده است.

افراط‌گرایی نومحافظه‌کارانه به «میان‌روی سنتی دموکراتیک» ارزیابی می‌نماید. (چامسکی، ۱۳۸۸: ۴۹)

اوباما تاکنون روند حمایت مطلق هیئت حاکمه‌ی آمریکا از رژیم صهیونیستی و سیاست‌های خصمانه و تحریم‌ها را علیه ایران ادامه داده؛ نیروهای نظامی خود را طبق برنامه از عراق خارج نکرده؛ جنگ در افغانستان و پاکستان را تشدید و نیروهای جدید به افغانستان اعزام نموده است. (امیدی، ۱۳۸۸: ۱۵) در مجموع در زمینه‌ی سیاست خارجی آمریکا، بحث وجهه‌ی جهانی این کشور و مسائل خاورمیانه و جنوب غرب آسیا از چالش‌های عمده محسوب می‌شوند. ترمیم وجهه‌ی آمریکا نزد مردم جهان که در سایه‌ی سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و جنگ افروزانه‌ی دولت بوش به شدت مخدوش گردیده و در کنار آن، مسائل پاکستان، افغانستان، ایران و فلسطین نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت اوباما است. در ادامه این موارد مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرند.

### پاکستان و افغانستان

اوباما اولویت سیاست امنیتی خویش را برخورد با شبه نظامیان در پاکستان و افغانستان قرار داده و نیروهای جدید ارتش آمریکا را به این دو کشور اعزام کرده است. می‌توان گفت تغییر قابل توجهی که در سیاست اوباما در این منطقه به چشم می‌خورد، تقدم پاکستان بر افغانستان است. در دکترین امنیتی وی سرچشمه‌ی بیشتر حملات تروریستی به پاکستان برمی‌گردد. وی اظهار داشته که طبق تحقیقات ارتش آمریکا، پاکستان هسته‌ای بزرگ‌ترین چالش پیش روی غرب است و از دیدگاه دولت او مسیر ثبات افغانستان از پاکستان گذشته و این کشور جایگاه مهمی برای ثبات بخشیدن به افغانستان، ایجاد صلح در شبه قاره‌ی هند و کنترل سلاح‌های اتمی در منطقه دارد. (سلیمی، ۱۳۸۸: ۴۱) برخی از تحلیل‌گران معتقدند آمریکا قصد دارد در مرز مشترک افغانستان و پاکستان و خارج از

حیطه‌ی حاکمیت اسلام آباد و کابل، منطقه‌ای ویژه را به عنوان مناطق خودگردان با حضور طالبان و نیروهای شورشی ایجاد نماید. علاوه بر آن، با تشدید بمباران مناطق شمالی پاکستان، نقش آمریکا در تحولات این کشور پررنگ‌تر از دوره بوش گردیده و جنگ پنهانی سازمان سیا در پاکستان گسترش یافته و به نظر می‌رسد آمریکا در صدد تجزیه پاکستان است.

بحث احتمال تجزیه‌ی پاکستان در سال‌های اخیر در چند مورد فراتر از حد انتظار مطرح گردیده است. نشریه‌ی «هوستون کرونیکل» چاپ آمریکا در شماره-ی ۲۲ نوامبر ۲۰۰۸، مطلبی را به چاپ رساند که بر مبنای آن در نقشه‌ی آینده‌ی آسیای جنوب غربی، کشوری به نام پاکستان وجود نخواهد داشت. جان پرلیز، نویسنده‌ی این مطلب - که ادعا می‌کند این نقشه ایده یک «خاورمیانه خوب» را دنبال می‌کند - معتقد است: در نقشه‌ی آینده‌ی آسیای جنوب غربی، افغانستان از طرف شرق و قلمرو هندوستان از سمت غرب گسترش خواهد یافت و در نتیجه، عملاً کشور کنونی پاکستان به باریکه‌ای از خشکی تبدیل خواهد شد. همچنین به نقل از این نشریه، هم‌اکنون این نگرانی در میان بسیاری از نیروهای مسلح پاکستان و مقام‌های سیاسی آن کشور گسترش یافته است که ایالات متحده آمریکا می‌خواهد «یگانه کشور مسلمان دارای سلاح هسته‌ای» را تجزیه کند. (پورقیومی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۴) رالف پیترز نیز در نقشه‌ای که بر مبنای ترسیم مجدد نقشه‌ی خاورمیانه بر اساس قومیت تهیه شده، پاکستان را نیز مانند بسیاری از کشورهای منطقه تجزیه نموده و در مورد آن نوشته است: اگر چه افغانستان قسمتی از غرب کشور خود را به نفع ایران از دست خواهد داد اما در عوض از طرف شرق بخشی از شمال غربی پاکستان که قبایلی با ریشه‌های افغانی در آنجا حضور دارند را به دست خواهد آورد. وی ضمن غیرطبیعی توصیف کردن پاکستان می‌گوید، بخش بزرگی از این کشور باید برای شکل‌گیری دولت بلوچستان آزاد جدا شود. (پورقیومی، ۱۳۸۷: ۲۲۹-۲۲۴) اگرچه مباحثی از قبیل

تجزیه‌ی پاکستان و محو این کشور از نقشه‌ی منطقه یا تغییر اساسی در بنیه‌های حکومت آن امری است که حداقل در شرایط فعلی کمتر احتمال وقوع آن می‌رود، اما آینده‌ی سیاسی این کشور هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و تابع متغیرهای مختلفی است که گذر زمان می‌تواند مبین اصلی آن باشد.

## ایران

اوباما در اولین سخنرانی خود در کنگره‌ی آمریکا اعلام کرد که اگر ایران مشت‌های گره کرده‌ی خود را باز کند، دست دوستی آمریکا که به سوی آنها دراز شده را خواهد دید. مشابه این سخن در سفر وی به ترکیه هم تکرار گردید و در پیام نوروزی به مردم ایران نیز خواهان پایان یافتن تنش و بهبود روابط دوجانبه با ایران شد. از طرفی، روی دیگر سیاست اوباما در قبال ایران نیز مخفی نمانده است. سخن اوباما مبنی بر اینکه غیر از مذاکره «گزینه‌های دیگر» از روی میز کنار گذاشته نشده و ایران حامی تروریسم و یک تهدید جدی است و صحبت هیلاری کلینتون<sup>۱</sup> از تحریم‌های فلج کننده علیه ایران شواهدی بر این امر است که تغییر قابل توجهی در سیاست آمریکا در قبال ایران ایجاد نشده و به نوعی همان حرف‌های بوش تکرار می‌شود. (باقری، ۱۳۸۸: ۸) «جرمی هاموند»<sup>۲</sup> تحلیلگر مسائل سیاسی در همین زمینه می‌گوید: «اساس سیاست اوباما در قبال ایران با بوش تفاوت ندارد و هدف وی از گفتگو با ایران لزوماً به معنی رسیدن به تفاهم با ایران نیست، بلکه می‌خواهد سایر کشورها در تحریم‌های شدیدتر علیه ایران مصمم شوند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۲/۱۳) با توجه به آنچه ذکر شد، دوگانگی آشکاری در مواضع و رفتار دولت جدید آمریکا در قبال ایران

۱ - وزیر خارجه دولت اوباما.

2 - Jaremev Hammond

مشاهده می‌شود و نه تنها سیاست دولت پیشین ادامه یافته، بلکه در برخی موارد دولت اوباما مواضع تندتری در قبال ایران اتخاذ نموده است.

### فلسطین و جهان اسلام

اوباما در سخنرانی خود در مجلس ترکیه درباره‌ی مسئله فلسطین گفت: «بگذارید شفاف بگویم که ایالات متحده از هدف ایجاد دو کشور (اسرائیل و فلسطین) حمایت می‌کند، دو کشوری که باید در صلح و امنیت در کنار هم زندگی کنند.» (همشهری، ۱۳۸۸/۲/۸) اگرچه با این سخنان، وی تلاش کرد تا موضع آمریکا درخصوص مسئله‌ی فلسطین را متعادل‌تر از گذشته نشان دهد، اما تردیدی در ادامه حمایت آمریکا از اسرائیل وجود ندارد، چنانکه در جنگ ۲۲ روزه‌ی غزه هم اوباما در قبال جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌گناه این منطقه سکوت اختیار کرد. اگرچه وی در آن زمان دولت را تحویل نگرفته بود اما انتظار می‌رفت نشانه‌ای از شعار تغییر در زمینه‌ی مسئله‌ی فلسطین و کشتار بی‌گناهان در کلام او دیده شود.

از آنجا که مطرح شدن سخنان تند علیه مسلمانان مانند به کار بردن عبارت «جنگ صلیبی» در سخنان بوش موجب خشم و نفرت بیشتر از آمریکا در جهان اسلام شده بود، اظهار نظر اوباما در باره اسلام در سفر او به ترکیه و تأکید بر اینکه آمریکا با اسلام مشکلی ندارد، با هدف نشان دادن تغییر لحن دولت جدید آمریکا و فاصله گرفتن این کشور از شیوه‌ی رفتار دولتمردان پیشین کشورش در قبال مسلمانان صورت گرفت.

### نتیجه‌گیری

آمریکا به عنوان بازیگری که پس از سقوط و فروپاشی شوروی عرصه را برای یکه‌تازی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل فراهم دیده بود، تلاش نمود که برای



تأمین حداکثری منافع خویش بیشترین تأثیر را در حوزه‌ی استراتژیک خاورمیانه داشته باشد. حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر مناسب‌ترین بستر را برای این امر فراهم نمود. آمریکا توانست پس از تصویب قطعنامه‌های لازم در شورای امنیت، رهبری ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم را به عهده گرفته و به افغانستان حمله نماید. اما تصمیم دولتمردان نومحافظه‌کار برای ادامه‌ی تاخت و تاز در منطقه و حمله به عراق نتوانست پشتیبانی لازم را در سطح بین‌المللی به دست آورد، بنابر این، حاکمیت تفکر نظامی‌گری نومحافظه‌کاران، یکجانبه‌گرایی را تجویز نمود. وضعیت ویژه‌ی کشورهای خاورمیانه که انعکاس آن در گزارش روشنفکران و کارشناسان عرب به سازمان ملل (در سال ۲۰۰۲) مشاهده شد و در آن به مشکلات چهارگانه‌ی خاورمیانه (فقدان آزادی، وضعیت نامناسب زنان، سطح پایین تحقیقات و آموزش، و آثار سلبی ناشی از اشغال فلسطین توسط اسرائیل) اشاره شده بود، دستمایه‌ی آمریکایی‌ها برای استفاده از این مشکلات در راستای اهداف توسعه‌طلبانه‌ی آنها قرار گرفت. برای نیل به این هدف، پروژه‌ی دموکراسی‌سازی در قالب طرح خاورمیانه‌ی بزرگ و با حمله به عراق دنبال گردید. اگرچه آمریکا توانست در یک رویارویی نابرابر و نه چندان شفاف صدام را از عرصه‌ی قدرت به پایین بکشد، اما اداره‌ی عراق و تأمین امنیت آن از یک طرف و مشکلات ناشی از عدم شناخت کافی از واقعیات منطقه، موجب ناکامی طرح خاورمیانه‌ی بزرگ گردید. از آنجا که طبق برآورد آمریکا علت اصلی ناکامی، قدرت‌یابی جریان بیداری اسلامی به محوریت ایران بود، سیاست بعدی آمریکا بر پروژه خاورمیانه‌ی جدید و با هدف مقابله با این جریان تمرکز یافت. اما چون ورود به عرصه‌ی مقابله مستقیم با ایران دارای خطرپذیری بالایی بود، در اجرای استراتژی اخیر، آمریکا تصمیم گرفت در جنگی نیابتی و در گام نخست یکی از بازوهای مهم ایران یعنی حزب‌الله لبنان را از پیش‌رو بردارد.

با توجه به اینکه سیر ناکامی‌ها با شکست در لبنان به نقطه‌ای غیرقابل

پذیرش برای مردم و نخبگان آمریکایی رسید، فشارها بر دولت بوش برای اصلاح مشی یکجانبه‌گرایانه افزایش یافته و سرانجام او را متقاعد به تغییر در رویه‌ی خود نمود. مهم‌ترین پیامد سیاست‌های غلط گذشته برای آمریکا، افزایش تنفر عمومی از این کشور بویژه در خاورمیانه و جهان اسلام بود. با توجه به پایان دوره‌ی دوم حاکمیت تندروها بر کاخ سفید و تمایل مردم و نخبگان آمریکا برای تغییر سیاست‌ها و بهبود چهره‌ی آمریکا، اوباما «تغییر» را به عنوان شعار انتخاباتی خود برگزید. اما پس از گذشت مدت زمانی قابل توجه از ریاست وی بر کابینه، نه تنها تغییر عمده‌ای در سیاست‌های کلان دولت جدید دیده نشده، بلکه در پاره‌ای موارد بویژه در خاورمیانه، سیاست‌های جدید تندتر از سیاست‌های دولت گذشته بوده است. خوش‌بینانه‌ترین تحلیل‌ها هم شعار تغییر را غیر راهبردی و در حد تاکتیک دانسته و مراد از آن را فاصله گرفتن از نظامی‌گری و افراط‌گرایی دوران بوش و تمایل به شیوه‌ی میانه‌روی سنتی دموکرات‌ها ارزیابی می‌نمایند. در حقیقت اوباما بیش از آنکه تغییری در سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه ایجاد کند، تغییرات دوره‌ی دوم ریاست جمهوری بوش (بویژه پس از جنگ لبنان) را تداوم می‌بخشد.

## منابع

- ۱ - امینی، حسن، (۱۳۸۳)، تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، قم: اعتدال.
- ۲ - امینیان، بهادر، (۱۳۸۶)، آمریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۳ - امینیان، بهادر، (۱۳۸۵)، مسلمانان، هویت و جامعه بین‌الملل؛ بوسنی و هرزگوین، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۴ - ایکنبری، جی‌جان، (۱۳۸۲)، تنها ابرقدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه - ی عظیم فضلی‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۵ - پایان عصر آمریکا در خاورمیانه، (۱۳۸۶)، تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه؛ اداره‌ی مقابله با تهدیدهای نرم و عملیات روانی.
- ۶ - پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۷)، تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا، قم: اعتدال.
- ۷ - حسینی، حسن، (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه‌ی بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۸ - دهشیار، حسین، (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: نشر قومس.
- ۹ - سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۸۵)، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۰ - ظریف، محمدجواد و مصطفی زهرانی، (۱۳۸۴)، روندهای جدید بین‌المللی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۱ - کاگلر، ریچارد، (۱۳۸۰)، استراتژی نظامی و وضعیت نیروی آمریکا در قرن بیست و یکم، ترجمه احمدرضا تقاء و داود علمایی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران

- انقلاب اسلامی.
- ۱۲ - گوهری مقدم، ابوزر، (۱۳۸۶)، سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۳ - مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴ - یزدان‌فام، محمود، (۱۳۸۴)، آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۵ - یونسیان، مجید، (۱۳۸۵)، کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۶ - الخمیسی، احمد، (۱۳۸۵)، «سلطه بر منابع نفتی منطقه هدف آمریکا»، [www.ghadiri.org](http://www.ghadiri.org)، ۱۳۸۵/۷/۱۸.
- ۱۷ - امید، حمید، (۱۳۸۸)، رؤیای لوترکینگ یا کابوس رایس، روزنامه‌ی کیهان، شماره ۱۹۳۵۱، ۱۳۸۸/۲/۱۳.
- ۱۸ - امینیان، بهادر، (۱۳۸۳)، «آمریکا و طرح خاورمیانه‌ی بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات» مجله‌ی سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، صص ۲۶-۷.
- ۱۹ - باقری، سیامک، (۱۳۸۸)، بازنمایی دو چهره کاخ سفید، هفته‌نامه‌ی صبح صادق، شماره ۱۳۸۸/۲/۱۴، ۳۹۷.
- ۲۰ - بیگدلی، علی، (۱۳۸۵)، «نقشه‌ی تصاحب خاورمیانه نگاهی به ماهیت استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه»، <http://noormags.com>، ۱۳۸۶/۸/۲۵.
- ۲۱ - پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۷)، آمریکا و بالکانیزاسیون در خاورمیانه، فصلنامه‌ی اخوت، معاونت سیاسی نمسا، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
- ۲۲ - پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۷)، «گفتگو با طالبان؛ و مشکلات پیش‌رو» [hadi.basijnews.ir](http://hadi.basijnews.ir)، ۱۳۸۷/۷/۲۱.
- ۲۳ - حسینی، حسن، (۱۳۸۳)، «جایگاه آموزه‌ی تغییر رژیم در اندیشه‌ی نومحافظه‌کاران»، نشریه‌ی نگاه، سال چهارم، شماره ۴۶، صص ۱۵-۴.
- ۲۴ - خسروی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، «نشست شرم‌الشیخ»، [www.rissna.ir](http://www.rissna.ir)، ۱۳۸۶/۹/۳۰.
- ۲۵ - خلجی، عباس، (۱۳۸۲)، «رویکرد سیاست خارجی آمریکا به تروریسم»، مجله‌ی سیاست دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- ۲۶ - دلاورپوراقدام، مصطفی، (۱۳۸۶)، «حزب‌الله و مؤلفه‌های سیاست و امنیت در خاورمیانه»، [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)، ۱۳۸۶/۵/۱۳.
- ۲۷ - دهشیری، محمدرضا، (۱۳۸۳)، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و

- اتحادیه‌ی اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، مجله‌ی سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، صص ۱۱۳-۱۴۶.
- ۲۸ - زمانی، هادی (۲۰۰۵)، «مروری بر عملکرد طرح خاورمیانه‌ی بزرگ»، [www.ayandeh.com](http://www.ayandeh.com)، ۱۳۸۷/۲/۱۶.
- ۲۹ - سالمان، عبدالمالک، (۱۳۸۵)، «ارزیابی پیامدهای جنگ‌افروزی اخیر اسرائیل»، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۶/۱۲.
- ۳۰ - سلیمی، زهرا، (۱۳۸۸)، اوباما لباس جنگ می‌پوشد، مجله‌ی ایران، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۸۸.
- ۳۱ - سیک، گری، (۲۰۰۶)، «ایران مخفی و ارتباط با آمریکا»، [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)، ۱۳۸۵/۹/۵.
- ۳۲ - کیوان حسینی، سیداصغر، (۱۳۸۱)، «مبارزه با تروریسم و سامان‌بخشی به سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۰-۴۱، صص ۲-۲۳.
- ۳۳ - محمدی، مهدی، (۱۳۸۷)، «پایان بازی نومحافظه کاران در خاورمیانه»، روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۲/۲۲، ص ۲.
- ۳۴ - مرشدی، ارسلان، (۱۳۸۵)، «ضربه کاری حزب‌الله»، [jamejamonline.ir](http://jamejamonline.ir)، ۱۳۸۵/۶/۷.
- ۳۵ - مقیمی، احمدعلی، (۱۳۸۸)، اوباما و سراب تغییر سیاست آمریکا در قبال ایران، روزنامه جام‌جم، شماره ۲۵۱، ۱۳۸۸/۱۲/۱۹.
- ۳۶ - نصر، ولی و تکیه، ری، (۱۳۸۶)، «ایران القاعده نیست»، ترجمه: فراز شهلائی، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)، ۱۳۸۶/۹/۲۶.
- ۳۷ - نویهض الحوت، بیان، (۱۳۸۵)، «خاورمیانه‌ی جدید؛ طرح آمریکایی که محکوم به شکست است»، مترجم: ابوالقاسم کارجو لاهیجی، السفیر لبنان، به نقل از: [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir)، ۱۳۸۶/۵/۱۳.
- ۳۸ - هادوی، مجید، (۱۳۸۶)، «فرانسه به دنبال نقش جدید در عراق»، هفته‌نامه‌ی صبح صادق، شماره ۳۱۵، صص ۵.
- ۳۹ - هاس.ن. ریچارد، (۱۳۸۵)، «پایان عصر آمریکایی خاورمیانه»، ترجمه‌ی بنفشه غلامی، روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۵/۸/۱۱، ص ۵.
- ۴۰ - هاس.ن. ریچارد، (۱۳۸۶)، «پیشنهادات تحلیلگران شورای روابط خارجی آمریکا»، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی [www.rissna.ir](http://www.rissna.ir)، ۱۳۸۶/۱/۳۰.
- ۴۱ - هاس.ن. ریچارد، (۲۰۰۶)، «خاورمیانه‌ی جدید»، ترجمه‌ی مهدی کاظمی مجله‌ی فارن افیرز، [www.mydocument.ir](http://www.mydocument.ir)، ۳۰ مارس ۲۰۰۷.
- ۴۲ - هرش، سیمور، (۱۳۸۵)، «تغییر جهت»، نشریه‌ی نیویورکر، به نقل از: واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۵/۱۲/۲۶.

- ۴۳ - چامسکی، نوام، استاد بازنشسته دپارتمان فلسفه و زبان‌شناسی مؤسسه‌ی تکنولوژی ماساچوست آمریکا، اینترنت‌شنال نیوز، «افکار جنون‌آمیزی بر وزارت دفاع آمریکا حاکم است»، به نقل از: خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۱۲/۶.
- ۴۴ - چامسکی، نوام، استاد بازنشسته دپارتمان فلسفه و زبان‌شناسی مؤسسه‌ی تکنولوژی ماساچوست آمریکا، جواد حمیدی، «سیاست‌های او‌باما مشابه دوره‌ی دوم بوش خواهد بود»، مجله‌ی وطن امروز، ویژه‌ی عید نوروز ۱۳۸۸.
- ۴۵ - رایس، کاندولیزا، وزیر خارجه‌ی آمریکا، شبکه‌ی العربی، «اعتراف به ناکارآمدی سیاست آمریکا در مقابل ایران»، ۱۹ فوریه ۲۰۰۷، به نقل از: روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰، ص ۲.
- ۴۶ - هرش، سیمور، خبرنگار نشریه‌ی نیویورکر، «سیاست دوگانه‌ی واشنگتن باعث پیچیدگی اوضاع خاورمیانه می‌شود»، به نقل از خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۳/۸.
- ۴۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۸/۲/۱۳.
- ۴۸ - خبرگزاری رویترز، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.
- ۴۹ - خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۵/۱۱ و ۱۳۸۶/۳/۸.
- ۵۰ - روزنامه‌ی همشهری، ۱۳۸۸/۲/۸.
- ۵۱ - نشریه‌ی اخبار و تحلیل‌ها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در نمسا، شماره ۸۰، ۱۳۸۶/۵/۷.
- 52 - Burkaliber, Richard, "two centuries of world order", Time, 6 may, 1991.
- 53 - Byers, Micheal, Terror and the Future of International Law in World in Collision, edited by: Kenn Booth and Dinn Moore, News Week, Inc, 2002.
- 54 - Cox, micheal, Meaning of Victory, American Power after the Towers, in World in Collision edited by: Kim Booth and Time Dunne, News week, Inc, 2002.
- 55 - Goldberg, Jeffrey (January/February2008), "After Iraq" <http://www.theatlantic.com/doc/200801/goldberg-mideast> (14/11/1386).
- 56 - Heisbourg, Francis, "a Work in Progress: the Bush Doctrine and its Consequences", the Washington Quarterly, Spring 2003.
- 57 - Hersh, Seymour(2006), Washington's Interests in Israel's War, August 21, 2006, [www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa\\_fact?Printable=true](http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true).
- 58 - Pei, Minxin "Lessons from the past: the American Record on Nation-Building, "Carengie Endowment Policy Brief, April, 2003.
- 59 - Peters, Ralph(2006), Blood borders: How a better Middle East would look, [www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899](http://www.armedforcesjournal.com/2006/06/1833899).

- 60 - [www.baztab.com](http://www.baztab.com) (۱۳۸۶/۲/۱۸).
- 61 - [www.bbcpersian.com](http://www.bbcpersian.com) (۱۳۸۶/۵/۱۱).
- 62 - [www.bbcpersian.com](http://www.bbcpersian.com) (۱۳۸۶/۵/۷).
- 63 - [www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527](http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=8527).
- 64 - [www.etemaad.com](http://www.etemaad.com) (۱۳۸۶/۷/۲).
- 65 - [www.kaariz.com](http://www.kaariz.com) (۱۳۸۶/۱/۲۳).

